

# شکوه ماندگار

گزارشی از اولین همایش هویت معلمی از جنس استاد شکوهی

**نصرت الله دادار**

کرد و نشان داد که با آن می توان جهان را بهتر شناخت.

وی با اشاره به حافظه محوری در مدارس و سوق ندادن دانش آموزان به سمت کاربرد مفاهیم و پرورش خلاقیت در آن ها به عنوان روش های آموزشی نامناسب، گفت: این چهره ماندگار بر توجه به تعلیم و تربیت محرومان و نیز نقش خانواده در این عرصه تأکید بسیاری داشت و معتقد بود خانواده اساس تعلیم و تربیت است.

معاون پژوهش و فناوری دانشگاه با بیان اینکه نباید نسبت به معلمان و خادمان تعلیم و تربیت در جامعه خود کم توجه باشیم ابراز امیدواری کرد که با برگزاری این همایش ها و نیز تأسیس انجمن مفاخر تعلیم و تربیت ایران شاید بتوان به طور سازمان یافته تر از این سرمایه ها حفاظت کرد و از تجربیات آن ها بهره مند شد.

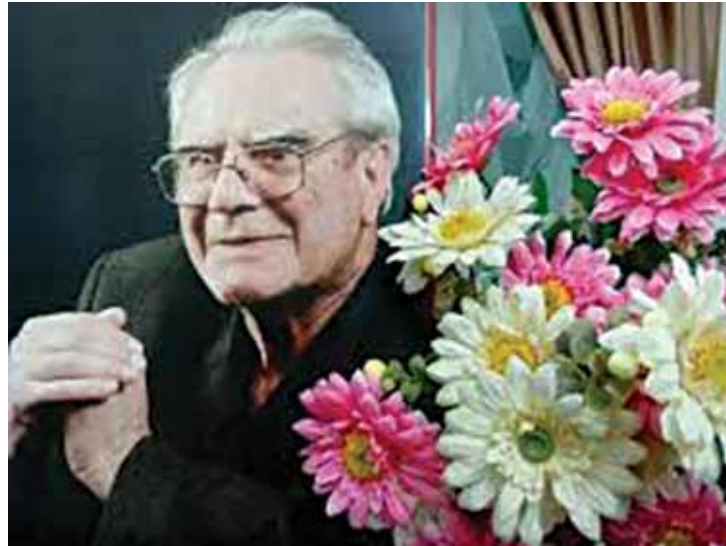
## پیام دکتر غلامعلی حداد عادل

**دکتر ساکی** همچنین پیام دکتر غلامعلی حداد عادل به مناسبت برگزاری این همایش را قرائت کرد.

در قسمتی از این پیام چنین آمده بود: «هنگامی که به یاد دکتر غلامحسین شکوهی می افتم نخست چهره جذاب و چشمان گیرای او با ابروان پر پشتش در ضمیرم نقش می بندد؛ مردی سالخورده با موهایی سپید و زبان و بیانی گرم و دلنشین.

اما علاوه بر این، استادی در خاطرم مجسم می شود دانشمند و ژرف نگر، معلمی مسئولیت شناس و مهربان، نویسنده ای دقیق النظر، عالمی فکور، مترجمی امین و مدیری خدمتگزار و از همه این اوصاف مهم تر، مردی دیندار و با ایمان و صاحب اخلاق نیکو، نجیب و بی ادعا.

شادروان دکتر شکوهی پس از سال ها تدریس علوم تربیتی در دانشگاه تهران، در نخستین روزهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با تصویب و تأیید شورای



اولین همایش یک روزه «هویت معلمی از جنس استاد شکوهی» به منظور تجلیل از خدمات و ترویج منش معلمی زنده یاد استاد دکتر غلامحسین شکوهی چهره ماندگار تعلیم و تربیت ایران با حضور جمعی از مسئولان، اساتید و دانشجوی معلمان دانشگاه فرهنگیان استان تهران در پردیس نسیمه برگزار شد.

دکتر ساکی با اشاره به الهام بخشی، شیوایی و نفوذ کلام استاد شکوهی با بیان اینکه وی همه ویژگی های معلم موفق را یکجا در خود داشت، خاطر نشان کرد: دکتر شکوهی تعلیم و تربیت را به عنوان یک علم، تخصص و حرفه، در جامعه ایرانی مطرح



**دکتر رضا ساکی** معاون پژوهش و فناوری دانشگاه فرهنگیان، در ابتدای این همایش، ضمن خیر مقدم و تقدیر از برگزار کنندگان همایش، با اشاره به هدف آن در تلاش برای زنده نگه داشتن افکار و اندیشه های استاد شکوهی و ترویج آن به عنوان سرمایه ملی به ویژه در میان آموزش گران، معلمان و دانشجو معلمان، افزود: الگوبرداری از روش و منش اساتید گرانقدری همچون شادروان دکتر شکوهی و کاردان، آموزش و پرورش را به سمت تعالی و بهبود سوق می دهد و زمینه ساز توسعه تعلیم و تربیت می شود.

وی با تأکید بر اهمیت آشنا کردن نسل جدید معلمان با افکار دکتر شکوهی تصریح کرد: این آشنایی می تواند موتور محرکه ای باشد برای ایفای نقش خطیر معلمی دانشجو معلمان ما در دانشگاه فرهنگیان.

انقلاب در دولت موقت مسئولیت وزارت آموزش و پرورش را برعهده گرفت و در آن روزهای سخت و حساس، دین خود را به دین، میهن و ملت خود ادا کرد. وی پس از کناره‌گیری از آن مسئولیت، در شورای عالی آموزش و پرورش و در کنار مسئولان و مدیران بعدی از هیچ‌گونه راهنمایی و کمک به آموزش و پرورش دریغ نوزید. استاد شکوهی نه تنها در زادگاه خود، بیرجند و بعداً در دانشسرای عالی در تهران به خوبی درس خوانده بود، بلکه سال‌ها در اروپا از محضر استادان نام‌آوری مانند ژان پیاژه بهره مستقیم حاصل کرده بود. او همه‌دانش و تجربه خود را با فروتنی و سخاوت در اختیار دانشجویان خود قرار می‌داد و توانست در عمر پر برکت خود دانش‌پژوهانی تربیت کند که امروزه خود به مقام استادی رسیده‌اند.»

### دکتر خسرو باقری: استاد شکوهی، سه حق برگردن ما دارد

**دکتر خسرو باقری** عضو هیئت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران سخنران بعدی این همایش بود که با طرح این سؤال که استاد شکوهی چه حقی برگردن ما دارد، سخنان خود را آغاز کرد و افزود: «استاد شکوهی، سه حق برگردن ما دارد: ستایش، زایش و الایش. در مرحله اول، حق استاد شکوهی برگردن ما این است که باید از او ستایش و قدردانی کنیم. در مقام ستایش از او، باید بگوییم که شکوه شکوهی در چه بود؟ باید رمزگشایی کنیم که او چرا شکوه داشت؟ شکوهی معلمی کرد و با معلمی یگانه شد. وجودش با معلمی یکی است. معلمی یک حرفه و فعالیت است، اما رفته‌رفته، معلمی با وجود انسان (معلم) عجین می‌شود و همین اتفاق است که انسان را با شکوه می‌کند. معلمی باید داخل کالبد انسان وارد شود و این اتفاق در شکوهی رخ داده بود.»

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران سپس به حق دوم شکوهی اشاره کرد و گفت: «حق دوم شکوهی برگردن ما این است که بکشیم زایش صورت بگیرد و شکوهی‌ها به وجود بیایند. ما نباید تنها به «غلامحسین شکوهی» بسنده کنیم. باید شکوهی‌ها داشته باشیم. اما مانع معلمان برای شکوهی شدن چیست؟ باید این

موانع را شناسایی و بر آن‌ها غلبه کنیم تا شکوهی‌ها زاده شوند.»

### موانع شکوهی شدن

وی سپس افزود: «به نظر من چهار مانع برای شکوهی شدن معلمان وجود دارد. اولین مانع این است که ما نسبت به معلمی بیرون‌نگر باشیم و معلمی را کار برای دیگران در نظر بگیریم نه برای خودمان. اگر به دوش معلم قیاً انداخته باشند فایده ندارد. معلم باید کار معلمی را کار خودش بداند. معلم با نظر به خودش و برای خودش کار می‌کند.

این عمل‌هاست که هویت معلم را شکل می‌دهند. اگر معلمان بخواهند معلمی را در بیرون نگاه کنند این نگاه تبدیل به مانع می‌شود. معلم وقتی سر کلاس می‌رود باید بیش از آنکه به این فکر کند که چه می‌خواهد به بچه‌ها بدهد فکر کند. می‌خواهد کاری برای خودش انجام دهد. هویت ما باید با معلمی گره بخورد.

مانع دوم، نگاه ابزاری یا ابزارنگری به شاگرد است. یعنی شاگردان را بهانه‌ای برای اشتغال ببیند. این هم یک مانع است که بتوانیم یک معلم خوب بشویم. کانت می‌گفت دیگران را به‌عنوان غایت ببینیم نه وسیله.

اگر ما معلمان دانش‌آموزان را وسیله معاش خودمان بدانیم این یک انحطاط در وجود خودمان است.

معلم باید نگران دانش‌آموز باشد و دغدغه دانش‌آموز را داشته باشد. اگر کسی نگاه ابزاری به دانش‌آموز داشته باشد، نمی‌تواند شکوهی شود.

مانع سوم، عمل‌زدگی است. معلمی کاری سهل و ممتنع است. در نگاه اول



سهل است ولی اگر بخواهید به آن فکر کنید آن را بسیار پیچیده و ممتنع خواهید یافت. اگر معلم ژرفاندیشی نکند، رشد نمی‌کند و شکوهی نمی‌شود. معلم باید درباره همین کار ساده تفکر کند و از عمل‌زدگی دوری کند. معلم باید هر روز درباره چپستی تربیت فکر کند. معلمانی که احساس نیاز به مطالعه و تفکر نمی‌کنند، عمل‌زده شده‌اند و بد است. معلمان باید مراقب عمل‌زدگی باشند.

مانع چهارم معلمان برای شکوهی شدن، گیرافتادن در تناقض «معلم خوب و فقیر» است. امروز برخی از معلمان به این نتیجه رسیده‌اند که یا ما باید تأمین باشیم و یا اینکه کار نمی‌کنیم.

شکی نیست که معلم باید تأمین شود. اما معلم باید این تناقض را هم برای خودش حل کند؛ و اگر حل نکند نمی‌تواند شکوهی شود.

امروز معلمان ما شدیداً با تناقض معلم خوب و فقیر درگیرند و اگر بر آن غلبه نکنند، نمی‌توانند شکوهی بشوند.

### والایش، حق سوم شکوهی

**دکتر باقری** در ادامه سخنانش به حق سومی که شکوهی برگردن ما دارد اشاره کرد و گفت: «حق سوم شکوهی برگردن ما، والایش اندیشه‌های اوست. ما باید از شکوهی درگذریم و فراتر برویم. اگر خود شکوهی امروز زنده بود از این هم فراتر می‌رفت. او پویا بود و اگر ۲۰ سال دیگر می‌ماند قطعاً از آنچه بود جلوتر می‌رفت.»

### شکوهی می‌تواند مانع هم باشد

**دکتر باقری** در ادامه صحبت‌هایش به یک نکته اساسی دیگر اشاره کرد و گفت: «مواظب باشیم که اگر با شکوهی یا شکوهی‌ها، که بزرگ و دارای ارزش‌های بسیار بالایی هستند، برخورد مناسب نکنیم، همین، خود می‌تواند برای ما مانع باشد. اما مانع شدن شکوهی یعنی چه؟ مانع شدن شکوهی به سه طریق ممکن است: تقلید، تکرار و تقدیس.

۱. **تقلید:** تقلید کردن از انسان‌های بزرگ می‌تواند مانعی برای ما بشود. شما می‌توانید مانند شکوهی در کلاس صحبت کنید یا مانند او عمل کنید؛ اما این خودش یک بیماری، یعنی بیماری الگوگیری است. آن شکوهی شکوهی خودش بود و من و

شما هم باید شکوهی خودمان باشیم. اگر خودمان نباشیم نمی‌توانیم شکوهی شویم. می‌خواهم بگویم اگر مراقب نباشیم، چهره‌های درخشان برایمان باتلاق می‌شوند و ما در آن‌ها فرو می‌رویم یا در آن‌ها غرق می‌شویم. پس هرکسی باید خودش باشد. چون اصالت افراد است که می‌درخشد.

زیبایی در اصالت است. اگر شما بخواهید مقلد زیباترین آدم‌ها هم باشید خودتان هم زشت می‌شوید.

**۲. تکرار.** دومین مانع شکوهی شدن تکرار کردن و در جا زدن است. این به معنای گیر کردن در یک دیدگاه است.

ما نباید در دیدگاه و نظرات بزرگان متوقف شویم، بلکه باید دیدگاه و نظرات آن‌ها را بسط و گسترش دهیم. ما باید ادامه بزرگان باشیم. اگر تکرار آن‌ها باشیم ملال آور می‌شویم. باید این دیدگاه‌ها و نظرات مانند یک ارگانیسم زنده، رشد کنند و زندگی کنند. بنابراین کسانی که می‌خواهند حق شکوهی را در بخش سوم، یعنی والایش، ادا کنند باید خلاقیت و نوآوری داشته باشند.

**۳. تقدیس.** سومین مانعی که می‌تواند مانع شکوهی شدن ما شود تقدیس اوست، و تقدیس چیزی است که در رابطه با شخصیت‌های بزرگ رخ می‌دهد. اساساً ما ایرانی‌ها چون یک مقدار مرده‌پرست هستیم افراد را، مخصوصاً پس از مرگشان، تقدیس می‌کنیم؛ و تقدیس کردن انسان‌های بزرگ به معنی کشتن آن‌هاست.

دکتر باقری در ادامه چاره این بیماری (مانع شدن شکوهی) پرداخت و افزود: «چاره این بیماری، نقادی است. انسان‌ها محدود هستند و دست یازیدن به حقیقت مشکل است. پس انسان‌های بزرگ باید نقادی شوند و نقد شکوهی در واقع ادا کردن حق والایش او برگردن ملست.

پس ما باید حق بزرگان را ادا کنیم و نباید در ستایش آن‌ها محدود شویم یا بمانیم.»

### سخنان دکتر محمدرضا نیستانی

**دکتر محمدرضا نیستانی** عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان و یکی از شاگردان استاد شکوهی، سخنران بعدی این مراسم بود که سخنان

خود را با طرح این سؤال که «چرا باید از استاد شکوهی ستایش کنیم؟» آغاز کرد و گفت: «ما باید به این سؤال پاسخ دهیم که چه عاملی باعث می‌شود که یک معلمی این همه مورد توجه مردم قرار می‌گیرد؟ به اعتقاد من، شکوهی برای ما تازگی و بداعت داشت. ما قبل از او، معلم‌های شبیه او ندیده بودیم. شکوهی، آشکارگر واقعیت معلمی بود. او به ما آموخت که معلمی یعنی چه و چه معنایی دارد. به گفته افلاطون زیبایی، شکوه و کمال یک پدیده است.

شکوهی در دو حوزه تازگی و بداعت داشت: یکی در شخصیت و دیگری در شیوه معلمی. شخصیت استاد شکوهی، نابهنگام و تازه بود. شخصیت او خاص بود. او شخصیت متفاوتی با دیگران داشت. حوزه دیگری که استاد شکوهی در آن تازگی و بداعت داشت، حوزه معلمی بود. شیوه معلمی او واقعاً تازگی و بداعت داشت. دقت داشته باشیم که هر کسی نمی‌تواند معلمی کند.

آمادگی او برای معلمی از او یک شخصیت متفاوت ساخته بود. معلمی که برای کلاس رفتن شوقی نداشته باشد نمی‌تواند معلمی کند. استاد شکوهی آرزو داشت در کلاس درس بمیرد.»

**دکتر نیستانی** سپس به یکی دیگر از ویژگی‌های استاد شکوهی اشاره کرد و گفت: «یکی دیگر از ویژگی‌های استاد شکوهی، هستی‌بخشی او بود. او ماهیت و وجودی داشت که هستی‌بخش بود. کسانی که حتی یک جلسه در کلاس او حاضر می‌شدند، به شدت تحت تأثیر او قرار می‌گرفتند.

ویژگی بعدی استاد این بود که توانسته بود همه حصارهای پیرامون خود را



بشکنند. حضور دانش‌آموزان و دانشجویان را درک می‌کرد. او اهلیت گفت و شنود داشت. شنونده بسیار خوبی بود. وقتی از استاد شکوهی یک سؤال می‌پرسیدی، او با توجه می‌گفت: یک بار دیگر سؤال را تکرار بفرمایید و با دقت گوش می‌کرد، آن‌گاه به سؤال پاسخ می‌داد.»

وی افزود: «شکوهی باریک‌بین و نازک‌اندیش بود. او انسان بسیار دقیقی بود. شیوه آموزشی او هنرمندانه بود. وقتی وارد کلاس او می‌شدیم، با معلمی روبه‌رو بودیم که با هنرمندانه‌ترین و زیباترین شکل تدریس می‌کرد. او در تدریس، به موقع و در فرصت‌های مناسب، از تمثیل، استعاره و تشبیهات استفاده می‌کرد و قدرت بسیار بالایی در این روش داشت. شکوهی در کلام بلیغ بود و بلاغت را هم در اوج خودش داشت. من خودم به این نتیجه رسیده‌ام که معلمی که ادبیات نخوانده است نمی‌تواند معلم خوبی شود. استاد شکوهی شاگرد ذبیح‌الله صفا، دکتر معین و... بود. از ادبیات، هنر، سینما، بازیگری و بلاغت برای تدریس مدد می‌گرفت، تا ما را به گنه مسائل تعلیم و تربیت آگاه کند.

کلاس استاد شکوهی واقعاً روح داشت. سکوت و سکون‌های به‌جا و مناسب داشت. اساس شادی و غم در زمان‌های مناسب در چهره او نمایان می‌شد. حافظه عاطفی او عین تجارب زیسته او بود. قبل از اینکه ما را برانگیخته کند، خودش برانگیخته شده بود. به گفته باخ، موسیقیدان مشهور آلمانی، «توازنده‌ای که قبل از دیگران خودش برانگیخته نشده باشد نمی‌تواند کسی را برانگیزد.»

استاد شکوهی تلاش می‌کرد شاگردان خودش را وارد یک کشف نمایشی کند. او واقعاً آرام بود و اهل هیچ جنجالی نبود. عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان در پایان سخنانش گفت: «همه آنچه که درباره استاد شکوهی گفتم، به معنی این نیست که استاد شکوهی بی‌عیب بود. باید او را نقد هم کرد. شاید یک نظریه پرداز بگوید؛ شکوهی باید در جایی هم داد می‌زد و نباید این قدر آرام بود.

شایان ذکر است در این همایش تعداد دیگری از جمله دکتر محمود مهر محمدی سرپرست دانشگاه فرهنگیان نیز به ایراد سخنرانی پرداختند.

این همایش در روز ۱۷ آبان‌ماه گذشته، در پردیس نسیم تهران برگزار شد.